

عنوان مقاله

سبک زندگی ایرانی - اسلامی به مانند الگوی اعتدال در زندگی

نویسنده: اژدر پیری سارمانلو^۱

چکیده:

پژوهش حاضر تحت عنوان «سبک زندگی ایرانی^۱ اسلامی به مانند الگوی اعتدال در زندگی» میباشد که به روش توصیفی^۲ تحلیلی به بررسی مفهوم اعتدال پرداخته و سبک زندگی را به عنوان یک الگویی برای اعتدال اسلامی مورد تبیین قرار می دهد. چرا که اسلام مجموعه ای از آموزه های وحیانی الهی است که مسیر کمال یابی انسان را تبیین می کند. آموزه های معرفتی و دستوری اسلام ضمن ایجاد معرفت و شناخت کامل و جامع از هستی، راههای رسیدن به کمال مطلق را نشان میدهد، زیرا با شناخت کامل و جامع از هستی و حقایق آن است که می توان فلسفه راستین نسبت به هستی داشت و پس آن را در چارچوب سبک زندگی خود تبیین کرد.

اهمیت پژوهش حاضر بر این امر استوار است که سبک زندگی هر کسی بیانگر فلسفه زندگی اوست. هر کسی چنان زندگی می کند که هستی و از جمله زندگی دنیوی را برای خود تفسیر کرده است. شاید هم چنین گفت که سبک زندگی تأویل فلسفه زندگی هر انسانی است. مقاله حاضر با هدف ارزیابی تحلیلی بررسی مفهوم سبک زندگی و اعتدال را به عنوان مهمترین شاخصه ی سبک زندگی اسلامی مورد بررسی قرار می دهد.

کلید واژه: سبک زندگی، اعتدال، الگوی اعتدال.

مقدمه

مهمترین مولفه ی سبک زندگی دینی و تمدن اسلامی اعتدال است و قرآن و معارف اهل بیت همه مردم را به اعتدال و میانه روی در همه امور فراخوانده اند. پس با نگاهی عمیق به آیات قرآن در می یابیم که خداوند به هر شکلی مردم و امت و جامعه را به اعتدال دعوت می کند؛ اعتدال در همه امور زندگی است پس سبک زندگی و اخلاق امت هم اعتدالی و معتدلی خواهد بود. جامعه ایران یک جامعه در حال توسعه است و به اقتضای در حال توسعه بودن، به نوعی از ساختارها و پیوندهای گذشته خود متفاوت شده و قرار و سکون خود را در ساختارها و پیوندهای جدید جستجو می کند. بالطبع این جدا گشتگی در نحوه ی زندگی و رفتار افراد این جامعه اثر گذاشته و تغییرات بنیادین در سبک و نوع زندگی آنها خواهد داشت. بنابراین فهم درست و عمیق این تغییرات و آسیب شناسی سبک زندگی کنونی ایران، یک ضرورت اجتناب ناپذیر می نماید. این مقاله با اهتمام به موضوع شیوه اعتدال به عنوان یکی از مهمترین مولفه ی سبک زندگی دینی می پردازد.

بررسی مفهوم سبک زندگی

سبک زندگی را می توان به مجموعه ای کم و بیش جامع از عملکردها تعبیر کرد که فرد آنها را به کار می گیرد. چون نه تنها نیازهای جاری او را بر می آورند بلکه روایت خاصی را هم که وی برای هویت شخصی خود برگزیده است، در برابر دیگران متجسم می سازد. سبک زندگی روش الگومند مصرف، درک و ارزش گذاری محصولات فرهنگی مادی است که استقرار معیارهای هویتی را

^۱ . کارشناس ارشد روابط بین الملل

در چارچوب زمان و مکان ممکن می‌سازد. از امیر المومنین (ع) روایت شده است که بهترین کارها اعتدال امید و بیم است. مفهوم سبک در زبان فارسی در برابر لفظ استایل انگلیسی قرار داد. محمد فاضلی درباره تعریف سبک زندگی می‌نویسد: با توجه به تعاریف موجود از سبک زندگی ما می‌توانیم دو دسته تعریف را در این خصوص از هم تفکیک کنیم:

دسته اول: تعاریفی هستند که سبک زندگی را از جنس رفتار می‌دانند و نگرش‌ها و باورها را در آن دخیل نمی‌دانند.

دسته دوم: آنهایی هستند که ارزش‌ها و نگرش‌ها را بخش مهمی از سبک زندگی می‌دانند که وجوه روانشناسانه این تعاریف غالب است.

سبک زندگی عبارت است از طیف رفتاری که اصلی انسجام بخش بر آن حاکم است و عرصه‌هایی از زندگی را تحت پوشش دارد و در میان گروهی از افراد جامعه قابل مشاهده است و الزاما برای همگان قابل تشخیص نیست. اگر چه محقق اجتماعی میان آن و بقیه طیف رفتارهای افراد جامعه تمایز قایل می‌شود.

اما اعتدال واژه آشنا و اصطلاحی کلیدی در متون اخلاقی گذشتگان است. انسان در میان دو قطب افراط و تفریط در رفتار و سلوک نفسانی، در صورتی به الگوی صحیح روحی و رفتاری دست می‌یابد که اعتدال پیشه کند. حکماً اساس اخلاق را در اعتدال در خوبی‌ها و صفات می‌دانند و برای نجات و رستگاری انسان و رساندن او به سعادت، راه اعتدال را توصیه می‌کند.

قلمرو اعتدال و مصادیق آن

اگر بخواهیم قلمرو اعتدال را بررسی نماییم شاید از حوصله پژوهش حاضر خارج باشد ولی در اینجا به چند مورد از قلمرو آن که شامل قلمرو فردی، در سیاست خارجی و داخلی، در جناح‌های سیاسی و اعتدال قضایی هست خواهیم پرداخت.

اعتدال فردی: مانند اعتدال در بحث عبادت، اعتدال در سخن گفتن، در راه رفتن، در خشم و غضب که باید از حد اعتدال خارج نشویم، اعتدال در انفاق، در مسائل جنسی و ... میباشد.

اعتدال در سیاست داخلی و خارجی: در سیاست داخلی باید شخص معتدل از نظرات کارشناسان و دیدگاههای مختلف استفاده کند. فرد معتدل فرد جامعه گرا و جمع‌گراست و ضمن اینکه بر دیدگاههای خود پای می‌فشارد. نگاهی نیز به باورهای دیگران دارد. اعتدال با مفهوم عزت طلبی رابطه دارد. اعتدال به معنای تسلیم شدن در برابر دشمن نیست بلکه اعتدال به معنای استفاده از روش‌های عقلانی و میانه برای رسیدن به عزت نفس است. در سیاست خارجی هم بر اساس اخلاق و احترام دو سوپه مسائل بین‌المللی را تعریف کند و به ناسزاگویی و دشنام به کشورها و ملل دیگر نپردازد و احترام متقابل را رعایت کند.

اعتدال در قلمرو سیاست خارجی موفق به منظور تأمین منافع ملی، معنی و مفهومی بسیار حساس تر و ظریف تر از قلمرو سیاست داخلی دارد و لو اینکه ایجاد بستر داخلی متعادل و مستعد، در توفیق اعتدال‌گرایی بیرونی، بسیار مهم و اساسی است. از پیروزی انقلاب اسلامی در سال ۵۷ تا به امروز، گفتمان‌های مختلفی در سیاست خارجی تجربه شده است و مسئله انکار ناپذیر، نقش تعیین‌کننده روسای جمهور در تدوین و تعریف گفتمان سیاست خارجی کشور است. به طور کلی اعتدال به معنای نفی افراط و تفریط و پرهیز از این دو حد است. در سیاست نیز اعتدال معمولاً به صورت سلبی تعریف و تلقی می‌شود؛ یعنی در سیاست خارجی نیز اعتدال به معنای نفی و پرهیز از گفتمان‌های افراطی و تفریطی جریان پیدا خواهد کرد. شناخت دقیق گفتمان اعتدال در سیاست خارجی در سایه شناخت و تبیین شاخص‌ها و عناصر قوام بخش آن ممکن است. دو نقطه کانونی و ثقل گفتمان اعتدال، تعادل و توازن است؛ یعنی شناخت، توازن و تعادل بین آرمان‌گرایی و واقع‌گرایی میباشد.

جمهوری اسلامی ایران یک نظام سیاسی با هویت اسلامی و انقلابی است و در عرصه‌ی سیاست خارجی نیز آرمان‌های انسانی، انقلابی و اسلامی از شاخصه‌های اصلی این نظام است. در عین حال نظام جمهوری اسلامی در سایه تعلیم قرآن و سنت پیامبر (ص) از گفتمان واقع‌بینانه نیز حمایت جدی می‌کند. لذا کارگزار و سیاستمدار مسلمان آرمانهای انسانی و اسلامی را با توجه به واقعیت‌ها و هست‌ها و نیست‌ها پیگیری و تأمین می‌کند.

اعتدال در سیاست خارجی یعنی تعادل و توازن برقرار کردن میان این اهداف، به طوری که تعقیب هر کدام از آنها به معنای نادیده گرفتن هدف دیگر نباشد. اگر این گونه نباشد، سیاست خارجی از محور تعادل و توازن خارج شده است. بی تردید در سیاست خارجی، تأمین توأمان منافع ملی و مصالح اسلامی یک اصل مبنایی است و هیچ تعارضی هم میان این دو وجود ندارد. البته ممکن است گاهی در میدان عمل میان این دو دسته از منافع و مصالح، تراحم پیش بیاید. وظیفه کارگزاران سیاست خارجی، رفع این تراحم و حفظ توازن و تعادل بین مصالح اسلامی و منافع ملی است. مسئولان و کارگزاران سیاست خارجی باید از هر دو ابزار دیپلماسی و قدرت سخت افزاری و نظامی کشور استفاده کنند و از این عوامل ثبات و اقتدار در جهت سیاست خارجی بهره ببرند. نظام جمهوری اسلامی یک نظام مسئولیت پذیر است که در عمر سی و چند ساله خود در عرصه ی منطقه ای و بین المللی نقش آفرینی و به تکالیف و مسئولیت های خود عمل کرده و مانند همه کشورهای دنیا، می بایست از حقوقی متناسب با ارزش ها و اندازه های خود برخوردار باشد. لذا در گفتمان بر پایه اعتدال، حقوق و تکالیف کشور به صورت متوازن و متناسب می بایست تعقیب و محقق شود.

اعتدال و جناح های سیاسی: مقام معظم رهبری در این باره فرمودند: بعضی از افراد و جناح های گوناگون گفته اند که دشمن اصلی، جناح مقابل است این تأسف بار است. این یعنی نگاه افراطی در جریان های سیاسی. دو جناح دو بال پرند هستند که اگر هر دو بال یک پرند خوب حرکت کند پرند خوب حرکت می کند. بنابراین جناح ها نباید جناح مقابل را دشمن فرض کند. نگاه اعتدال یعنی جناح مقابل را یک فرصت برای خود تلقی کند و رقیب به عنوان رفیق باشد نه دشمن.

اعتدال قضایی: در مسیر اجرای عدالت هم باید اعتدال مورد توجه قرار گیرد. یعنی در اجرای عدالت از روش های افراطی و تفریطی استفاده نشود. اصولاً اجرای عدالت نیازمند روحیه ی اعتدال آمیز است و خارج شدن از مسیر اعتدال ما را از مسیر عدالت نیز خارج خواهد نمود به تعبیر بهتر عدالت نباید قربانی عدالت شود.

شاخصه میانه روی و اعتدال

اگر بخواهیم مهمترین مولفه های اعتدال را در همه ابعاد و موضوعات بررسی کنیم، شاید بیرون از حوصله این مطلب باشد ولی در اینجا به مهمترین آنها اشاره میشود.

اعتدال در حوزه عقاید: در حوزه عقاید، توحید مهمترین شاخص در اعتدال شخص است. از همین رو کفر و شرک به عنوان خروج از عدالت و اعتدال و اسراف معرفی شده است. خداوند در آیه ۱۰۸ سوره بقره، کفر را سبب خروج از راه معقول یعنی همان اسلام توحیدی می داند و شرک مسیحیان را موجب خروج مسیحیان از حد اعتدال معرفی می کند.

اعتدال در شخصیت: از نظر آموزه های قرآنی انسان در شخصیت خود موجودی معتدل است و قوای موجود در انسان به گونه ای است که او را در حالت طبیعی و فطری اش در اعتدال نگه می دارد. در این میان عقل به عنوان مدیری که توانایی برقراری این اعتدال را دارد نقش مهم و ارزنده ای ایفا می کند. پس انسان معتدل و متعادل از نظر شخصیت کسی است که بتواند عاقلانه و خردمندانه زندگی کند و میان قوای نفسانی گوناگون بر اساس مدیریت و تدبیر عقل، اعتدال را مراعات کند.

اعتدال در رفتار اجتماعی^۵ سیاسی: خداوند به صراحت در آیه ۱۹ سوره لقمان لزوم رعایت میانه روی در رفتارها و مناسبات اجتماعی را مورد تأکید قرار می دهد.

اعتدال شاخصه مهم سبک زندگی اسلامی

امروزه سبک زندگی به مفاهیم، امور و اشیایی نسبت داده می شود که مرتبط به امور ذوقی، سلیقه ای و تمایلات انسان ها است و باید بین این مفهوم و فرهنگ تمایز قائل شد. به عبارت بهتر، یک لایه از زندگی و فرهنگ که با انتخاب ها و ترجیح افراد پیوند دارد و به دلیل وجود یک نوع پیوند میان مجموعه ای انتخاب ها سبک و الگوی خاص پیدا می کند، سبک زندگی نامیده می شود. عنصر اصلی سبک اسلامی رعایت اعتدال در عرصه های مختلف زندگی است و پرهیز از افراط و تفریط مهمترین راهکار مقابله در برابر مشکلات است.

اسلام مجموعه ای از آموزه های وحیانی الهی است که مسیر کمال یابی و سعادت‌مندی انسان را تبیین می کند. آموزه های معرفتی و دستوری اسلام ضمن ایجاد معرفت و شناخت کامل و جامع از هستی، راه های رسیدن به کمال مطلق را نشان می دهد؛ زیرا با شناخت کامل و جامع از هستی و حقایق آن است که می توان فلسفه راستین و درستی نسبت به هستی داشت و پس آن را در چارچوب سبک زندگی خود تعیین کرد.

به سخن دیگر، سبک زندگی هر کسی بیانگر فلسفه ی زندگی اوست. هر کسی چنان زندگی می کند که هستی و از جمله زندگی دنیوی را برای خود تفسیر کرده است. شاید هم چنین می توان گفت که سبک زندگی تأویل فلسفه ی زندگی هر انسانی است. اگر آنچنان که خداوند در آیه ۱۴۳ سوره بقره در توصیف امت اسلام بیان کرده و سبک زندگی آنان را وسطیت و میانه روی و اعتدال عنوان نموده، می توان گفت که فلسفه زندگی امت اسلام بر مدار میانه روی است.

میانه روی یا به تعبیر قرآن وسط بودن، به این معناست که امت از هر گونه افراط و تفریط در سبک زندگی خود به دور است. پس می بایست تصویری که مسلمان از جهان دارد، تصویری مبتنی بر اعتدال باشد که بیان کننده وسطیت به دور از افراط و تفریط است. اسلام هر گونه افراط و تفریط را به شدت منع می کند، زیرا هر گونه رفتاری به دور از اعتدال به معنای خروج از طبیعت سالم و فطرت است. خداوند انسان را بر حالت استوا و اعتدال آفریده و نفس او را به گونه ای خلق کرده که در زندگی گرایش به اعتدال داشته باشد.

از جمله مهم ترین قواعد اسلامی در رفتار اجتماعی آن است که انسان مسلمان می بایست به دور از هر گونه رفتار افراطی و تفریطی در جامعه باشد. پس در مشی و سبک زندگی خود رفتاری را در پیش میگیرد که مبتنی بر اعتدال است.

نتیجه گیری

اصل اعتدال از جمله مهمترین اصول اسلامی است که در قرآن کریم عنایت زیادی به آن شده است. با اندک توجهی در زندگی الهی و مقدس رسول اکرم (ص) و ائمه اطهار به زیبایی می توان این اصل را مشاهده کرد. آنان در هیچ امری از اعتدال خارج نشدند. خداوند نیز در قرآن، امت اسلام را به امت وسط ستوده است. این بدان معناست که میانه روی در زندگی اسلامی یکی از شاخصه های اساسی است و امت اسلام به میانه روی شناخته می شود. پس باید گفت که آموزه های اسلامی بر مدار و محور اعتدال و میانه روی سامان یافته است؛ زیرا اگر اسلام دارای عناصر افراطی و تفریطی بود، امکان نداشت تا امتی ایجاد کند که سبک زندگی او بر مدار میانه روی و اعتدال باشد. اصل اعتدال از جمله مهمترین اصول سبک اسلامی است که در قرآن کریم به آن توجه زیادی شده است. از جمله مهم ترین قواعد اسلامی در رفتار اجتماعی آن است که انسان مسلمان می بایست به دور از هر گونه رفتار افراطی و تفریطی در جامعه باشد. پس در مشی و سبک زندگی خود رفتاری را در پیش میگیرد که مبتنی بر اعتدال است.

(منابع در دفتر ماهنامه موجود میباشد)